بسم الله الرحمن الرحيم

# مقدمه

بحث در تربيت جسمي و طبیعی بود كه در فقه ما چند عنوان وجود دارد كه با اين بحث ارتباط دارد كه يكي از آنها عنوان رضاع بود كه بحث شد و يكي عنوان حضانت و ديگري عنوان نفقه است كه فعلاً بحث ما حضانت است كه نگهداري و مواظبت از كودك است.

# وجوب حضانت از كودك بر والدين

سؤالي كه در اين جا وجود دارد اين است كه آيا حضانت و مواظبت و نگهداري طبيعي و جسمي و بدني و تأمين نيازهاي طبيعي كودك بر پدر و مادر يك تكليف و وظيفه است يا صرفاً در حد استحباب است؟ گفته شد كه ادله‌ای از كتاب و سنت و عقل می‌شود بر اين امر اقامه كرد و در كتاب موسوعه الاحكام الاطفال اقوال اهل سنت و شيعه ذكر شده است . در ادله بحث ما در آيه مضاره بود كه چند نكته در باره آن ذكر شد اما اشكالي كه می‌شود در پايان همه بحث ها براي دلالت آن بر وجوب و ضرورت حضانت متوجه اين آيه كرد اين است كه عرفاً اضرار و مضاره اي كه تحريم می‌شود ظهور دارد در اين كه كاري انجام دهد که به ديگري ضرر برساند كه اين بيشتر ظهور عرفي مضاره است يعني اقدامی‌کند كه به ديگري ضرر برساند مثلاً در گوش كسي بزند يا دستش را ببرد يا غذاي مسموم به او دهد و ... يعني فعلي انجام دهد كه او در ضرر و زيان قرار بگيرد . اما معلوم نيست عدم ممانعت از ورود ضرر را عرفاً ضرر به حساب آورند مثلاً كسي يك شخص ديگر را در چاه بیندازد يا چوبي به او بزند در واقع به او ضرر می‌رساند ولي ممكن است كه شخصي به چاه می‌افتد و شخص ديگر جلوي او را نمی‌گیرد درحالی‌که می‌تواند مقدماتي فراهم كند كه او در چاه نیفتد كه در اين موقع عرفاً می‌گویند جلوي ورود ضرر به او را نگرفت . با يك دقت عقلي می‌توانیم بگوييم چون می‌توانست جلوي ضرر را بگيرد و نگرفته است پس اين نوعي اضرار است . اما در عرف عامه محل ترديد است و لازم نيست احراز كنيم و بگوييم كه حتماً اضرار نيست بلكه همين كه شك داريم كافي است .

## ترك اضرار يا پيشگيري از اضرار

عليرغم نكاتي كه گفته شد به نظر می‌آید كه می‌شود به اين آيه براي وجوب حضانت و حرمت ترك حضانت استدلال كرد ، كه استدلال تامي نيست و آن چه كه از اين آيه استفاده می‌شود اين است كه بايد پدر و مادر از چيزهايي كه عرف براي فرزند ضرر می‌بیند، پرهيز كنند اما اقداماتي كه از ورود ضرر ممانعت می‌کند ظاهراً مشمول آيه نيست . پس دو نوع اقدام وجود دارد : يكي اقدامي است كه با آن ضرر وارد می‌شود و يكي اقدامي است كه با آن جلوي ورود ضرر گرفته می‌شود و معلوم نيست كه دومي مشمول آيه شود يا نه .

اگر كسي غذاي ناسالم به كودك دهد و يا او را اذيت كند و به او آزار برساند اين مشمول آيه است و حرام هست ولي اگر كاري انجام دهد كه جلوي ورود ضرر را می‌گیرد در اين موقع مشمول آيه نمی‌شود . پس به نظر می‌آید اين آيه حرمت اضرار را می‌رساند و اضرار يك امر عرفي است و ترك ممانعت و پيشگيري اضرار نيست .

البته اين مطلب عقلايي است و ممكن است از راه‌های ديگر هم بتوانيم برای آن استدلال كنيم ولي اين حكم خصوصيتي دارد كه اضرار نبايد كند و نبايد اقدامي انجام دهد كه به او آسيب رساند .

## مفهوم لغوي و عرفي ضرر

در لغت ضرر يعني سوءالحال و اضرار يعني واردکردن سوءالحال به ديگري . و وقتي كه اين لغت در فضاي عرفي قرار می‌گیرد يعني كاري كند كه زياني به او برساند.البته مفاهيم عرفي می‌توانند منعطف و متغير باشند يعني ممكن است چيزي را زماني ضرر نبينند و زماني ضرر ببينند ولي ما در اينكه عدم فعل چيزهايي بتواند مصداقي براي اضرار شود شك داريم و در مقام يك استدلال فقهي ترديدي باقي است و لذا اين احتمال وجود دارد كه بگوييم اين استدلال تام نيست .

### آيه ائتمار آيه 6 سوره طلاق

آيه مضاره و آيه ائتمار قبلاً به طور مفصل بحث شده است اما در اين جا دوباره به آيه ائتمار توجهي خواهيم داشت. آيه ائتمار آيه 6 سوره طلاق هست **«وَ أْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ»** كه قبلاً نكاتي درباره آن ذكر شده و در اين جا چند نكته كه به بحث ربط دارد بيان خواهد شد.

### مفهوم ائتمار

يك نكته اين است كه **«وَ أْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ»** مفهوم ائتمار است و در لغت و ... چهار قول ذكر شده است : اولي ائتمار به معناي قبول الامر است: **«وَ أْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ»** يعني اگر كسي شما را امر به معروف كرد امر او را بپذيريد(**فَليَقبَل كُلٌ مِنكُما الامر مِنَ الآخَر**). معناي دوم يعني امر به متقابل يعني زوج ، زوجه را امر به معروف كند و زوجه هم زوج را امر به معروف كند (ليَِأمُر بعضُكُم بَعضً). معناي سوم عزم و هم است. ائتمر يا ائتمار به معناي همّ بِه وَأعتَزَمَ عليه يعني عزم به كاري كند و همتش را براي انجام كاري بسيج كند. معناي چهارم تشاور و مشورت است. **«وَ أْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ»** يعني زن و شوهر براي اين كه كار نيك انجام دهند بين خودشان مشورت كنند. اين چهار معنا در تفسير براي ائتمار ذكر شده است و ما معناي چهارم يعني تشاور راترجيح داديم و گفته شد كه در قرآن هم معناي استشاره به كار رفته است اگر چه معاني ديگر هم معاني درستي هستند.

يك نكته اين است كه در **«وَ أْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ»**، بينكم با قبول و امر يكي به ديگري و يا همّ و اعتزام، سازگار نيست. **«وَ أْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ»** يعني بين خودتان مشورت كنيد و بينكم با مشورت سازگارتر است البته با بعضي استعمالات قرآني هم سازگار است و در لغت هم بيشتر به معناي تشاور به كار رفته است و مأتمر كه به كنگره‌ها و نشست‌ها نيز گفته می‌شود يعني جايي كه تبادل نظر شود. پس براي اين كه معناي چهارم را به خاطر شواهدي كه در آيه است بپذيريم و ترجيح دهيم **«وَ أْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ»** يعني خطاب به زن و شوهري[كه طلاق دادند] می‌کند كه يعني بايد بين خودشان به شكل خوب و مناسبي نسبت به فرزند مشورت كنند.

### ائتمار ، عنوان مشير به عمل

نكته دوم اين است كه ائتمار در اين جا عنوان مشير به عمل است چون در عرف موضوعيت ندارد كه حتماً مشورت كنيد، هميشه مشورت طريق بر اين است كه كار صحيح انجام شود و در اين جا آيه می‌خواهد بگويد كه تعاون ميان خودتان و در ارتباط با فرزند بايد تعاون پسنديده‌اي باشد و براي رسيدن به آن مشورت كنيد به عبارت ديگر عناويني كه در ادله می‌آید اصلش اين است كه خودش موضوعيت دارد يعني خود آن عنوان متعلق امر يا نهي است ولي بعضي عناوين طريقيت دارد يعني راهي است براي تكليف اصلي كه در دليل وجود دارد كه در اين جا مشورت طريقي است براي اين كه خوب اقدام وعمل شود.

### مفهوم (معروف) در آية ائتمار

نكته سوم معروف است و معروف چيزي است كه عرف و عقلا آن را نيك و پسنديده مي‌دانند منتهي شارع اين عناوين را توسعه مي‌دهد. معروف يعني كار نيك و نيك يعني كاري كه عقلا و مردم آن را نيك می‌دانند منتهي در نظام شرعي، نيك هميشه توسعه پيدا می‌کند و همان مبنا، مبناي فهم ارتکازات عرفي است و وقتي مي‌گويد معاشرت معروف كنيد يعني به شكلي كه عقلا و عرف خوب مي‌دانند عمل كنيد منتهي ممكن است بعضي چيزهايي كه عرف آن را خوب مي‌داند شارع آن را خوب نداند و برعكس. پس مفهوم معروف همان معروف عندالعرف است منتهي با اعمال ملاحظات عرفي و شرعي.

### معناي حرف باء در بمعروف

نكته چهارم باء در بمعروف است كه می‌گوید **«وَ أْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ»** بمعروف يعني زن و شوهر بين خودشان به كار نيك رايزني كنند . در اين جا باء می‌تواند دو طريق معنا شود : يكي اين كه باء بر متعلق ائتمار وارد باشد و يكي اين كه باء همان باء سببيه باشد كه طريقه ائتمار را بيان می‌کند .

يك معنا اين است كه باء يكديگر به شكل خوبي مشورت كنيد يعني تشاورتان بر اساس روش درستي باشد .بمعروف در اين جا روش مشورت را بيان می‌کند .

معناي ديگر اين است كه در **«وَ أْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ»** باء به معناي في است يعني در كار نيكي كه می‌خواهید انجام دهيد مشورت كنيد .

در اين جا اگر به معناي روش مشورت باشد متعلقش محذوف است ولي اگر به معناي در معروف باشد يعني كار نيكي كه می‌خواهید انجام دهيد باز همین‌طور است و از نظر تفسيري و تبييني دو احتمال در باب آن وجود دارد ولي تغييري در معنا و استدلال ما نمی‌دهد.

### اطلاق آيه ائتمار به مطلق ازواج

نكته پنجم اين است كه اين آيه يا اختصاص دارد به زن و شوهري كه طلاق داده شده‌اند و يا شامل مطلق زن و شوهرها می‌شود . البته مورد آيه بيشتر بحث طلاق است يعني زن و شوهري كه طلاق داده کلید پایان‌بَر اما بعيد نيست كه اگر بگوييم منطوق آن را شامل نمی‌شود تنقيح مناط و يا اولويتش در زن و شوهري كه طلاق نداده اندرا هم شامل می‌شود و ممكن است كسي بگويد كه اين آيه القاي خصوصيت می‌شود و وقتي گفته می‌شود در حال طلاق رايزني كنيد براي تعامل خوب نسبت به فرزند ، اين مطلب در حال زوجيت هم فرق نمی‌کند و با اطمينان به عدم فرق می‌گوییم كه واتمرو بينكم بمعروف شامل ازواج است حتي در موقعي كه طلاق نداده کلید پایان‌بَر و در حال ادامه و استمرار زوجيت هستند . ممكن است كسي تنقيح مناط را نپذيرد و بگويد اين تأكيد آيه به خاطر اين است كه بعد از طلاق يك جدايي پيدا می‌شود كه در اين شرايط تأكيد می‌کند ولي عليرغم اين نكته ممكن است كسي بگويد كه در هر حال آيه می‌خواهد بگويد كه اهميت كار و شرایط فرزند طوري است كه حتي در اين شرايط هم نبايد رهايش كنيد و اين به اين معناست كه اصلش را پذيرفته است منتهي می‌گوید فرزند آنقدر مهم است كه شما در اين شرايط هم نبايد رهايش كنيد و لذا ازاین‌جهت است كه با اين تنقيحي كه عرض خواهد شد ممكن است بگوييم تنقيح مناط و القاي خصوصيت هم می‌شود .

بَلِ الاولويه يا به دلالت اقتضا يعني آيه می‌خواهد بگويد آن قدر مهم است و بايد به آن رسيدگي شود كه حتي اگر طلاق داديد نبايد آن را رها كنيد كه اين دلالت اقتضا دارد يعني امر فرزند و تعامل بين شما در باب فرزند آن قدر مهم است كه حتي اگر طلاق داديد نبايد آن را رها كنيد .

اگر در دلالت ظاهري آيه اطلاق است ولي شأن نزولش فلان موضوع است می‌گوییم مورد مخصص نيست ولي اگر ظهور آيه و مدلول لفظي آيه خطاب به زن و شوهري است كه طلاق گرفته کلید پایان‌بَر در اين مورد نمی‌توانیم بگوييم مورد مخصص نيست و قاعده‌ای كه مورد غير مخصص است يعني جايي كه دليل به ظهور لفظي شمول دارد و می‌دانیم كه شأن نزولش آن قصه است .

بنابراین ازاین‌جهت در اين آيه سه احتمال وجود دارد : اول اين كه آيه با منطوق خودش اطلاق دارد ولو صدر آيه است يعني هم زن و شوهر مطلّق را در برمی‌گیرد و هم غير از آن‌ها را. دوم اين است كه به تنقيح مناط در حال زوجيت را در برمی‌گیرد . احتمال سوم اين است كه بگوييم حتي با اولويت آن را در برمی‌گیرد. احتمال چهارم اين است كه به دلالت اقتضا است يعني يك تكليفي را آورده كه بدون اين كه تكليف در حال زوجيت باشد معنا ندارد و مفروض آيه اين است كه اين ها بايد به كودك توجه كنند حتي درحالی‌که طلاق داده کلید پایان‌بَر و در هر حال آيه شامل در حال زوجيت هم می‌تواند باشد.

### ائتمار در امور فرزند و روابط والدين

نكته ششم در اين آيه اين است كه در اين جا مقصود از تعامل و تشاور در معروف، تعامل و تشاور بين زن و شوهر است يا در ارتباط با فرزند است يا هر دو؟ گفتيم كه قطعاً اين آيه با فرزند ارتباط دارد و بعيد نيست كه بگوييم هر دو را شامل می‌شود. **«وَ أْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ»** يعني تعامل پسنديده در نيكي و كارهاي شايسته داشته باشيد چه در ارتباط با خودتان و چه در ارتباط با اداره امور فرزند و تعامل اين دو نسبت به فرزند قطعاً مشمول آيه است.

### سياق آيه ائتمار

نكته هفتم اين است كه آيه در مورد رضاع است ولي **«وَ أْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ»** جمله‌اي است كه خودش مطلق است و به بحث رضاع اختصاص ندارد منتهي آيه در سياق رضاع است ولي سياق هيچ وقت قرينه نمی‌شود براي اين كه يك جمله‌ای كه خودش مستقل موضوعيت دارد و جايگاه دارد از اطلاقش دست ‌برداریم.

**ضرورت تعامل والدين در وظايف تربيتي**

نكته هشتم اين است كه آيه به ضرورت تعامل والدين در انجام وظايف تربيتي تأكيد دارد و می‌گوید هماهنگ باشيد و با هماهنگي و مشورت كار كنيد و اين در رضاع و آسايش فرزند و امور حضانت و ... خيلي مؤثر است و لذا يك تأكيد ویژه‌ای در اين آيه نسبت به تعامل و هماهنگي وجود دارد.

نكته نهم اين است كه آيا اين مخصوص به امر رضاع است يا اعم هست؟ گفتيم كه **«وَ أْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ»** اعم است و اختصاص به رضاع ندارد.

### وجوب حضانت درآية ائتمار

نكته دهم از لحاظ حكم است كه گفتيم اين آيه حكمش الزامي است و ظهور **«وَ أْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ»** اين است كه اين تكليف الزامي و واجب است. بر اساس اين نكات استدلالي كه براي وجوب حضانت می‌شود به اين آيه كرد اين است كه اين آيه بر خلاف آيه مضاره لحن اثباتي دارد و می‌گوید در سامان دادن به امر فرزند و در نيكي به فرزند و اداره زندگي او همكاري كنيد.

## جمع بندي

پس با اين مقدمه می‌توانیم بگوييم حضانت مفهوم عرفي متداول است يعني كودك در دوره‌ای در امور طبيعي و جسمي و متعارف خود مشمول لطف و عنايت و حضانت پدر و مادر است .

**«وَ أْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ»** در امر ولد يعني در كار و شئون ولد به خوبي با يكديگر تعامل كنيد و معناي آن فقط این‌چنین نيست كه به او ضرر نرسانيد بلكه علاوه بر اين كه ضرر نرسانيد نفع به او برسانيد و امور او را در حد متعارف تدبير كنيد كه يكي از اين موارد رضاع است و يكي ديگر كه مهم‌تر است حضانت هست .

البته اين كه حضانت در چه سني بر عهده چه كسي است جزئيات آن در روايات آمده است ولي اصل آيه می‌فرماید كه حضانت از اين كودك و همكاري براي اين كه اين كودك در كنف حمايت پدر و مادر باشد وظيفه پدر و مادر است چه آن‌هایی كه طلاق داده کلید پایان‌بَر و چه قبل از طلاق ، هر دو را شامل می‌شود و استدلال به اين آيه خيلي قوي تر از آيه قبل است .

چون ائتمار از عناوين طريقيه است نمی‌توانیم بگوييم ائتمار و رايزني واجب است ولي همكاري يا رسيدگي به آن واجب نيست. ما عنوان مشير يا طريقي را قبلاً به طور مفصل بحث كرديم و عناويني كه وارد ادله شرعيه می‌شود تقسيم كرديم به عناويني كه اولاً اصل در عناوين موضوعيت است يعني اصالة الموضوعية في العناوين الواردة الادلة و بعد گفتيم عناويني كه وارد شده درعین‌حال دو قسم می‌شوند: عناويني كه در آن ها اصل موضوعيت است و عناويني مثل علم و تبين و همفكري و... كه اين ها عناويني هستند كه بيشتر مشير به محتوا می‌باشند و مقدمه‌ای هستند براي يك وظيفه ديگر

چند آيه و روايات ديگري هم وجود دارد كه در جلسه بعدي بحث خواهيم كرد.